دو فصلنامه علمی تخصصی
مطالعات تطبیقی فقه
زن و خانواده
سال سوم، شماره ششم
بهار و تابستان ۱۴۰۳

# ملاک‌های تعیین مهریهٔ ممدوح و مذموم از منظر فقه امامیه

فاطمه احمدی[۱]

## چکیده

یکی از حقوق زن که بعد از ازدواج بر عهده مرد قرار می‌گیرد، مهریه است که با چالش‌های متعددی روبروست. یکی از این چالش‌ها، مهریه‌های سنگین و غیرمتعارف است که مشکلات متعددی برای ازدواج جوانان ایجاد کرده است. این نوشتار به بررسی ملاک‌های مهریهٔ ممدوح و مذموم از منظر فقه امامیه می‌پردازد تا با روشن شدن ملاک‌های مدنظرِ شارع، جانب تعادل در زمینه توافق بر مقدار مهریه رعایت شود و از توافقی که نتیجهٔ آن مهریه‌های سنگین و غیرمنطقی است، فاصله گرفته شود و مهریه متناسب با نظر شرع و ازدواجِ آسان صورت گیرد. این نوشتار با شیوه تحلیلی و توصیفی و با استفاده از منابع فقهی و روش کتابخانه‌ای، ملاک‌های مدنظر شارع را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه دست یافته که مراد از مهریهٔ ممدوح، مهریه‌ای متعادل است که با مهرالسنه یا مهریه‌های کمی که میان زنانِ همسان رایج است، همخوانی داشته باشد و از مهریه‌های سنگین و غیرقابل‌پرداخت به دور باشد. نکته قابل‌توجه اینکه مهریه بیانگر جایگاه و ارزش زن نیست؛ بلکه تحفه‌ای است که برای اعلام صداقت، از طرف مرد به زن داده می‌شود.

**واژگان کلیدی:** فقه امامیه، مهریه ممدوح، مهریه مذموم، مهرالسنه، ملاک مهریه.

---

۱. دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه، رشته فقه و اصول، جامعة الزهرا علیها السلام، قم، ایران.
fa781114@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۸

## مقدمه

در رونـد پیونـد مقـدس ازدواج، ازجمله مراحل پیـش روی یک زوج، توافقی اسـت که بر مقـدار مهریـه صـورت می‌گیرد و مرد براسـاس حکم خداونـد، متعهد بـه پرداخت آن به زن می‌شـود. این حکم نیز مانند دیگر احکام الهی دارای ابعاد مختلفی اسـت که ائمه اطهـار علیهم‌السلام در کلام گهربـار خویـش به آن اشـاره کـرده و فقهای معظم نیـز در باب نکاح، فصلـی را بـه ایـن موضوع اختصـاص داده‌اند تـا تمامی جهـاتِ موردنیـازِ مکلفین مورد بررسی قرار گیرد.

ازجملـه عناوینـی کـه پیرامون موضـوع مهریه مورد بحث قـرار گرفته‌انـد عبارتند از: صلاحیت داشـتن آن چیزی که به‌عنوان مهریه قرار می‌دهند، مقدار مهریه، انواع مهریه و مشـمولین آن، شـروط مهریـه، تصرفـات در مهریه، مسـائل مربـوط به اختلافات بر سـر مهریه و... .

در ایـن نوشـتار، بـه مباحث مربـوط به مقدار مهریهٔ ممدوح و مذمـوم و عواملی که در تعییـن این مقادیر نقش دارند پرداخته می‌شـود تا در پایان، ملاک‌های تعیین مهریهٔ ممدوح و مذموم از منظر فقه امامیه روشن شود.

ضرورت پرداختن به این موضوع، ناشـی از خلأ موجود در میان آثار نگارشـی درباره مهریه است؛ زیرا در دیگر نوشتارها، تنها به‌صورت اجمالی، از مهرالسنه به‌عنوان مهریهٔ مطلـوب و از مهریـهٔ سـنگین به‌عنوان امری نکوهیده یاد شـده اسـت. ولـی این موضوع مورد بررسـی قرار داده نشـده اسـت که چه مقادیری، مصداق مهریه مذموم و ممدوح به شـمار می‌آیند و زوجین براسـاس چه معیارهایی باید توافق کنند. به همین دلیل توافق در تعیین مقدار مهر و پرداخت آن در عمل دشوار شده است.

درمجمـوع ازجملـه مباحـث چالش‌برانگیز در زندگی‌هـای امروزی، موضـوع مقدار مهریه اسـت؛ مهریه‌هایی که گاه چنان سـنگین اسـت که پرداخت آنها ممکن نیست و گاه افراد، درصدد تعیین مقدار متعادلی هستند، ولی نمی‌دانند که باید چه ملاک‌هایی

را در نظر گیرند و از دیدگاه دینی، چه میزان ممدوح یا مذموم به شمار می‌رود.

در اغلب نوشتارهای موجود، تنها به نکوهش مهریه‌های سنگین، مدح مهرالسنه و بررسی نظر فقها پیرامون وجوب یا استحباب آن پرداخته شده و مقدار خاصی برای مهریه تعیین نشده است و مقدار آن براساس توافق زوجین تعیین می‌شود. درمجموع، این نوشته‌ها عملاً به روشن شدن معیارهای تعیین مقدار مناسب، کمکی نکرده‌اند.

امتیاز این نوشتار بر نوشتارهای دیگر این است که به‌طور خاص به بررسی ملاک‌های مؤثر در تعیین مهریه ممدوح و مهریه سنگین یا مذموم می‌پردازد.

در میان مقاله‌های موجود، مقاله فاطمه رخ با موضوع «تحلیل اشخاص، صفات و ملاك‌های مؤثر در مهرالمثل» از جهت بررسی ملاک‌های تعیین مهریه، با این نوشتار مرتبط است. لازم به ذکر است که البته امتیاز نوشتار حاضر بر مقاله ایشان، عدم انحصار مهریه به مهرالمثل است. همچنین مقاله مصطفی غفوریان‌نژاد با عنوان «سقف مهریه در فقه امامیه» از جهت بررسی نظرات مختلف پیرامون مقدار مهریه، با این نوشتار مرتبط می‌باشد که در اینجا نیز امتیاز این نوشتار بر مقاله مذکور، پرداختن به ملاک‌های مؤثر در تعیین مقدار است.

### ۱. مفهوم‌شناسی مهریه

برای فهم بهتر این تحقیق لازم است واژه‌های مِهر، صداق، ممدوح و مذموم مورد بررسی قرار گیرند. مِهرِ زن «در لغت به معنای اجر و مزد زن است و آن، زمانی است که مرد، زن را بر مِهری به ازدواج [خویش] درآورد». (ابن‌فارس، ۱۳۹۹، ج۵، ص۲۸۱)

مِهر در اصطلاحِ فقه و لغت به معنای «مالی است که در مقابل تملک بُضع و یا استیفای بُضع زن، از راه غیر زنا به او داده می شود». (مشکینی، ۱۳۹۲، ج۱، ص۵۲۵) الصُّدْقة در لغت به معنای «مهر زن و جمع الصّدُقَةِ است.» (زبیدی، ۱۴۱۴، ج۲۶، ص۱۲)

صداق یا مهر در اصطلاحِ فقها به معنای «مالی است که زن به‌واسطه ازدواج، مالک آن است و مرد ملزم به پرداخت آن به زن می‌شود. مهر معمولاً اقلامی است که با توافق

زوجین مشخص می‌شود و مرد به‌صورت نقد یا تعهد در ذمه، به پرداخت آن موظف است و این اقلام و تعهد به‌صورت مکتوب، ثبت و ضبط می‌شود». (شرف‌الدین، ۱۳۸۰، ج۱، ص۱۲۴)

ممدوح در لغت به معنای «ستایش شده، ستوده شده» است (بهشتی، ۱۳۸۶، ص۱۰۴۳) و مذموم در لغت به معنای «مذمت‌کرده‌شده، نکوهیده، بد، زشت» می‌باشد. (همان، ص۹۷۵)

## ۲. نظر فقها پیرامون مقدار مهریه

اقوال فقهای شیعه پیرامون مقدار مهریهٔ جایز متفاوت است. در این زمینه دو دیدگاه اصلی مطرح شده است؛ عده‌ای به عدم ذکر مقدار مهریه تأکید دارند و در مقابل، برخی دیگر از فقها مقدار آن را تعیین کرده‌اند.

### ۲ـ۱. عدم ذکر مقدار برای مهریه (قول مشهور)

بنابر نظر مشهور فقها، حداقل و حداکثری برای مقدار مهریه در شریعت به‌صورت وجوب و حرمت بیان نشده و تعیین مقدار براساس توافق زوجین است. البته نکته قابل‌توجه اینکه چیزی را می‌توان به‌عنوان مهریه قرار داد که قابل قیمت‌گذاری باشد؛ بنابراین کمتر از این مقدار به‌عنوان مهریه قابل‌قبول فقها نیست.

#### ۲ـ۱ـ۱. ادله قرآنی

##### ۲ـ۱ـ۱ـ۱. آیه ۲۰ سوره نساء

ازجمله ادلهٔ مشهور فقها برای نبود حد و اندازهٔ حداقلی و حداکثری برای مهریه، آیه ۲۰ سوره نساء[1] است. فقها باتکیه‌بر کاربرد واژه «قنطارا» در این آیه، نظر خود را اثبات کرده و معتقدند این کلمه به معنای مال عظیم است. (عاملی، ۱۳۸۵، ج۲، ص۴۴۲ـ۴۴۳)

در تفسیر این آیه شریفه آمده که این آیه برای حمایت از قسمت دیگری از حقوق زنان نازل شده است و به عموم مسلمانان دستور می‌دهد به هنگام تصمیم بر جدایی

۱. ﴿وَإِنْ أَرَدْتُمُ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا﴾؛ «اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به‌جای همسر خود انتخاب کنید و مال فراوانی نیز (به‌عنوان مهر) به او پرداخته‌اید، چیزی از آن را پس نگیرید».

از همسر و انتخاب همسر جدید، هر قدر هم مهر زیاد باشد، حق ندارند چیزی از مَهر همسر اول را کم گذاشته و یا اگر پرداخته‌اند، پس بگیرند.

استدلال بر این پایه استوار است که واژه «القنطار»، بالکسر در لغت به معنای «وزن یک چوب بخور، وزن چهل اونس طلا، هزارودویست دینار یا هزارودویست اونس، یا هفتادهزار دینار و هشتادهزار درهم، یا صد پوند طلا یا نقره، یا هزار دینار یا پُرشدن مُشک از طلا یا نقره است». (فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج۲، ص۲۰۸) باتوجه‌به مصادیقی که در قاموس برای قنطار ذکر شده (ازجمله ده‌هزا دینار، هفتادهزار دینار طلا یا نقره و...)، همه از مبالغی است که بر مال زیاد دلالت دارند؛ بنابراین قرار دادن مهریه به این مبالغ جایز است.

همان‌طور که پیشتر گفته شد «قِنْطار» به معنی مال و ثروت زیاد است. راغب در کتاب مفردات می‌گوید: «اصل «قنطار» از «قنطره» به معنی «پل» است و چون اموال زیاد همچون پلی هستند که انسان در زندگی می‌تواند از آنها استفاده کند، از این جهت به آن قنطار گفته‌اند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج۳، ص۴۰۶) البته نکته حائز اهمیت در اینجا اینکه «نباید محکمات را به‌خاطر متشابهات کنار بگذاریم؛ بلکه باید متشابهات را به‌وسیله محکمات تفسیر کرد؛ ازجمله محکمات این است که معاملات سفهی، باطل است؛ خواه بیع باشد یا نکاح. (همان، ۱۴۲۴، ج۱، ص۲۰) به این معنا که اگر زیاد بودن مقدار مهریه به‌اندازه‌ای بود که عنوان معامله سفهی بر آن صدق کند، مهریه، باطل است و دیگر نمی‌توان برای صحت آن به این آیه استناد کرد.

### ۲ـ۱ـ۱ـ۲. آیه ۴ سوره نساء

عدهٔ دیگری از فقها در اثبات نظر خود، به آیهٔ ۴ سورهٔ نساء[1] استناد می‌کنند. این آیه کریمه مهریه را به‌عنوان هدیه و بخشش معرفی می‌کند که مرد موظف است آن را با میل و رغبت به همسرش بپردازد و نباید روزی در پس گرفتن آن طمع کند؛ زیرا آن

۱. ﴿وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً...﴾؛ «و مهریه زنان را به‌عنوان هدیه‌ای الهی با میل و رغبت [و بدون چشم‌داشت و منّت‌گذاری] به خودشان بدهید».

یـك پیشـكش و هدیـه اسـت و گویی كه برابر نـدارد و خداوند آن را مقـرر فرموده و نباید دادوستد مادی تلقی شود. این نگرش بیان می‌كند كه مهر، هدیه و بخششی الهی است و نبایـد بـا ماهیـت «اجرت» یكسـان تلقی شـود. بین مِهـر و اُجرت (در كنیـزان ملكی و زنان صیغه‌ای) تفاوت وجود دارد؛ زیرا مِهر، صداق است كه باید آن را پیشكش و هدیه دانست؛ درحالی‌كه اجرت در برابر بضع است. (مدرسی، ۱۳۸۸، ج۱، ص ۱۲۶)

از عموم آیه ۴ سوره نساء كه دستور می‌دهد مهریهٔ زنان پرداخت شود و آن را مقید به مقدار خاصی نكرده این نكته مسـتفاد می‌شـود كه معیار در تعیین مهریه، همان مقدار توافق‌شده بین زوجین است و محدودیتی در تعیین این هدیه و صداق وجود ندارد.

### ۲ـ۱ـ۱ـ۳. آیهٔ ۲۴ سوره نساء

از دیگر آیاتی كه فقها برای اثبات عدم محدودیت مقدار مهریه به آن استناد كرده‌اند، عموم آیهٔ ۲۴ سـورهٔ نسـاء[1] است. اگرچه بسیاری از مفسـران، این آیه را مرتبط با احكام عقد موقت می‌دانند؛ اما این امر مانعی برای اشتراك احكام مهر در هر دو نوع عقد دائم و موقت نیست.

براساس دیدگاهی كه در تفسیر این آیه ارائه شده، «این مهر یك نوع بدهكاری است كه با رضایت طرفین قابل‌تغییر است و اگر طرفینِ عقد، با رضایتِ خود مقدار مهر را بعداً كم و زیاد كنند، مانعی ندارد. بنابراین مِهر یك نوع بدهكاری است كه با رضایت طرفین قابل‌تغییر اسـت و در ایـن موضـوع، تفاوتی میان عقد موقت و دائم نیسـت؛ اگرچـه آیه همان‌طور كه مشروحاً گفتیم درباره ازدواج موقت بحث می‌كند». (مكارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج۳، ص۳۴۶)

ازآنجاكه براساس آیهٔ فوق، مقدار مهریه و كم‌وزیاد كردن آن تابع توافق زوجین است و این توافق بر مقدار خاصی محدود نشده است. بنابراین نتیجه گرفته می‌شود كه برای مقدار مهریه، حداقل و حداكثری در فقه امامیه تعیین نشده است.

۱. ﴿...فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾؛ «و از هركدام از زنان بهره‌مند شدید، مهریه او را به‌عنوان واجب مالی بپردازید و در آنچه پس از تعیین مهریه [نسبت به مدت عقد یا كم یا زیاد كردن مهریه] با یكدیگر توافق كردید بر شما گناهی نیست؛ یقیناً خدا همواره دانا و حكیم است».

### ۲ـ۱ـ۱ـ۴. آیه ۲۳۷ سوره بقره

دلیل چهارم بر عدم محدودیت مقدار مهریه، استناد به عموم آیهٔ ۲۳۷ سوره بقره[۱] است. براساس نظر فقها، در این آیه خداوند متعال، معیار پرداخت مهریه را «آنچه تعیین کرده‌اید» قرار داده است. از تعبیر «آنچه تعیین کرده‌اید» این نکته دریافت می‌شود که مقدار مهریه براساس توافق زن و شوهر است و از عموم این کلام و عدم قید زدن به حد و اندازهٔ خاص نیز درمی‌یابیم که این توافق محدود به حد خاصی نیست.

### ۲ـ۱ـ۲. ادله روایی

#### ۲ـ۱ـ۲ـ۱. صحیحه وشاء

یکی از ادلهٔ روایی فقها، صحیحه‌ای از الوشاء عن الرضا علیه‌السلام است. در این صحیحه، امام رضا علیه‌السلام فرمودند: اگر مردی با زنی ازدواج کند و مهر او را بیست‌هزار درهم قرار دهد و ده‌هزار درهم از آن را برای پدر دختر قرار دهد، آنچه به‌عنوان مهر قرار داده، صحیح است و آنچه برای پدر دختر قرار داده، صحیح نیست[۲]». (حر عاملی، ۱۳۸۳، ج۲، ص۴۴۲ـ۴۴۳)

از کاربرد مقدار مهریه به بیست‌هزار درهم و فرمایش امام مبنی بر صحیح بودن این مقدار، برداشت می‌شود که مهریه قرار دادن هر مقداری که مورد توافق طرفین باشد (هرچند بیشتر از مهرالسنه)، صحیح است.

---

۱. ﴿وَإِن طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِن قَبْلِ أَن تَمَسُّوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَن يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَن تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى...﴾؛ «و اگر آنان را پیش از آمیزش جنسی طلاق دهید، درحالی‌که برای آنان مهری تعیین کرده‌اید، پس [بر شما واجب است] نصف آنچه تعیین کرده‌اید [به آنان بپردازید]، مگر آنکه خود آنان یا کسی که پیوند ازدواج به دست اوست [مانند ولی یا وکیل] آن را ببخشند و گذشت و بخشش شما [که تمام مهریه را به زن بپردازید،] به پرهیزکاری نزدیک‌تر است و فزون‌بخشی و نیکوکاری را در میان خودتان فراموش نکنید که خدا به آنچه انجام می‌دهید، بیناست».

۲. «لو أن رجلا تزوج امرأة و جعل مهرها عشرين ألفا و لأبيها عشرة آلاف كان المهر جائزا و الذي جعله لأبيها فاسد».

### ۲ـ۱ـ۲ـ۲. روایت ابی‌صباح کنانی

ازجمله دیگر ادلۀ روایی، روایت ابی‌صباح کنانی[1] است. در این روایت آمده که «ابی‌صباح کنانی گوید: از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم مهریه چه مقدار است؟ فرمود: آنچه که مردم بر آن به توافق می‌رسند». (همان، ۱۴۰۹، ج۲۱، ص۲۴۰) وجه استناد به روایت، آن قسمت از کلام امام است که مقدار را براساس توافق زوجین معرفی می‌کنند.

### ۲ـ۱ـ۲ـ۳. روایت فضیل‌بن‌یسار

ازجمله ادلۀ دیگر برای عدم تعیین مقدار خاص به‌عنوان مهریه، روایت فضیل‌بن‌یسار است. فضیل‌بن‌یسار گوید، امام باقر علیه‌السلام فرمود: مهریۀ ازدواج همان است که مردم به آن رضایت می‌دهند، کم باشد یا زیاد؛ این همان صداق و مهریه است». (همان، ۱۳۸۳، ج۱۵، ص۲) در اینجا نیز مقدار صحیح، همان مقدار مورد رضایت طرفین تعیین شده است.

### ۲ـ۱ـ۲ـ۴. روایت زراره

دلیل دیگر بر عدم تعیین یک حداقل و حداکثر برای مهریه در شریعت، روایتی است که از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است. امام باقر علیه‌السلام در این زمینه می‌فرمایند مقدار مهریه چه کم باشد و چه زیاد، قرار دادن آن به‌عنوان مهریه صحیح است و معیار، توافق زن ومرد است[2]. (طوسی، ۱۴۰۷، ج۷، ص۳۵۳)

### ۲ـ۱ـ۲ـ۵. روایت محمدبن‌حسن

در منابع روایی آمده که امام حسن علیه‌السلام صداق همسر خود را صد کنیز قرار داد که به همراه هر کنیزی هزار درهم بود و عمر، صداق دختر امیرالمؤمنین علیه‌السلام را چهل هزار درهم قرار داد.[3] (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج۱۵، ص۱۹) برخی فقها برای اثبات جواز مهریه، بیشتر از

۱. عن أبي الصباح الكناني عن أبي عبدالله علیه‌السلام قال: سألته عن المهر ما هو؟ قال: ما تراضى عليه الناس.

۲. مُوسَى‌بْنِ‌بَكْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه‌السلام قَالَ: «اَلصَّدَاقُ مَا تَرَاضَيَا عَلَيْهِ قَلَّ أَوْ كَثُرَ».

۳. محمدبن‌الحسن في (المبسوط) على ما نقل عنه أنه روي أن عمر تزوج أم‌كلثوم بنت علی علیه‌السلام فأصدقها أربعين ألف درهم. قال: و تزوج الحسن علیه‌السلام امرأة فأصدقها مائة جارية مع كل جارية ألف درهم.

مهرالسنه یعنی پانصد درهم، به این روایات استناد کرده‌اند و مهریه را به دو قسم شرعی و عرفی تقسیم نموده و فرموده‌اند: مهریهٔ شرعی همان مهرالسنه است و مازاد بر آن، مهریهٔ عرفی می‌شود که بر زوج، واجب شرعی است. شاهد بر این سخن، روایتی است که عمربن‌یزید نقل کرده است. او می‌گوید به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم حکم کسی که مهریه را بیشتر ازمهرالسنه قرار دهد چیست؟ آیا جایز است؟ حضرت فرمودند: زمانی که اینگونه شد، مازاد، مهریه نیست؛ بلکه نحله است؛ چون خداوند فرموده: ﴿... وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا ...﴾. در این آیه، مراد خداوند، نحل بوده و مهریه را قصد نکرده است. آیا نمی‌بینی وقتی زن درخواست طلاق خلع می‌کند، زوج می‌تواند همهٔ مهریه را بگیرد و آنچه را که اضافه‌تر می‌تواند بگیرد، نحل است و این دلیل بر مهرالسنه‌بودن مهریه می‌باشد. (غفوریان‌نژاد، ۱۳۹۵، ص۱۱)

**۲ـ ۲. مقدار خاص برای غیر متعه (قول نادر)**

در مقابل دیدگاه آزادی مطلق در تعیین مقدار مهریه در عقد دائم، برخی از فقها معتقدند که توافقی بودن و عدم وجود حد و اندازهٔ خاص، تنها مختص **عقد موقت** است و عقد دائم باید دارای حد و اندازهٔ خاصی (مانند مهرالسنه) باشد. گمان می‌رود که نظر ایشان براساس روایاتی همچون روایت محمدبن‌مسلم است. محمدبن‌مسلم می‌گوید از امام صادق سؤال کردم در عقد موقت، مقدار مهریه چقدر است؟ پس امام فرمودند: «آنچه رضایت کنند بر آن تا مدتی که می‌خواهند». (کلینی، ۱۴۰۷، ج۵، ص۴۵۷)

اگرچه ظاهر این حدیث می‌رساند که توافقی بودن مقدار مهریه، خاص عقد موقت است؛ زیرا سؤال راوی، قید «متعه» را داشته و عبارت «الاجل» تنها مشمول عقد موقت می‌شود، ولی این برداشت صحیح نیست؛ زیرا تقیید به متعه به دلیل سؤال راوی بوده که فقط از مهریه عقد موقت سؤال کرده و امام هم در جواب فقط حکم آن را فرموده است و نمی‌توان این بیان را تقیید به حکم مطلق مهریه دانست.

در نقد این نظر، نکات زیر گفته می‌شود:

۱. نصوص فراوانی دلالت بر این دارند که مقدار مهریه در جمیع انواعِ نکاح (دائم و موقت) براساس تراضیِ زوجین است. ازجمله روایتی است از امام باقر علیه‌السلام که تصریح دارد به شمول رضایت طرفینی به مهریهٔ عقد موقت و غیر از آن. مهریه هر مقداری است که بر آن توافق کنند؛ کم باشد یا زیاد، در عقد موقت باشد یا ازدواج غیرموقت. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج۲۱، ص۳۴۰)

۲. استناد به مسلمات فقهیه که دلالت بر عدم محدودیت برای کمیت مهریه دارند:

**الف) صحت مهریهٔ غیرمالی:** صحت عقد با مهریه‌ای که قابلیت ارزش‌گذاری درهمی ندارد؛ مانند تعلیم قرآن؛

**ب) صحت عقد بدون تعیین مقدار:** عقد کسی که مقدار مهریه را تعیین نکرده‌اند نیز صحیح است؛

ج) قاعدهٔ «**الأخذ بما وافق القرآن**»: این قاعده که براساس آیهٔ ۲۰ سؤرهٔ نساء بنا شده است، حکم به عدم تحدید مهر می‌کند. (مفید، ۱۴۱۳، ج۱، ص۷)

### ۲ـ۳. اندازه حداکثری برای مهریه (قول نادر)

به اعتقاد عده‌ای از فقها مهریه نباید از مهرالسنه یعنی پانصد درهم تجاوز کند. براساس این دیدگاه اگر طرفین به مبلغی بیش از این مقدار توافق کنند، عقد بر همان مهرالسنه صحیح بوده و زیاده، باطل و مردود است. این عده چنین نظری را مختص امامیه می‌دانند.

این گروه برای گفتار خود به دو دلیل زیر اشاره می‌کنند:

۱. ادعای اجماع امامیه: این گروه معتقدند که در میان فقهای امامیه، اجماعی بر بطلان زیاده بر مهرالسنه وجود دارد و در توضیح نظر خود می‌گویند که مهریه تابع احکام شرعیه می‌باشد و ازآنجاکه اتفاق‌نظر بر مقدر مازاد بر مهرالسنه، مورد اتفاق واقع نشده، بنابراین براساس اجماع امامیه، زیاده بر مهر السنه واجب است که نهی شود.

۲. فقدان دلیل شرعی بر زیادت: دلیل شرعی برای مهریهٔ بیش از مهرالسنه وجود ندارد. (علم الهدی، ۱۴۱۵، ج۱، ص۲۹۲)

ادعـای اجمـاع پیش‌گفته (مورد اول) مردود اسـت؛ زیرا اجماعی کـه ادعا کرده‌اند، نفـی شـده و در میـان فقهـای امامیه، مشـهور قائل به عـدم محدودیت مقـدار مهریه در اکثـر مهـر هسـتند و فرموده‌اند کـه مهریه نوعی معاوضه اسـت که مقـدار آن تابع اختیار متعاوضین است؛ همان‌طور که سایر معاوضات نیز اینگونه می‌باشد.

در نفی دلیل دوم (که همان فقدان دلیل شرعی است) گفته می‌شود که برخلاف این نظر، در قرآن و روایات، دلیل شرعی وجود دارد. برای نمونه در قرآن کریم، باتوجه‌به کاربرد کلمـهٔ «قنطار» در آیهٔ ۲۰ سـورهٔ نسـاء،[1] قراردادن مـال فراوان به‌عنوان مهریه، جایز اسـت؛ زیرا جمیع تفاسـیری که برای قنطار در قاموس کلمات گفته شـده از پانصد درهم بیشتر است. ازجمله ادلهٔ روایی نیز صحیحهٔ وشاء از امام رضا علیه‌السلام و روایت محمدبن‌یعقوب و... می‌باشد که به‌صراحت دلالت بر جواز مهریهٔ بیش از پانصد درهم دارد.

### ۳. نظر فقها درباره مهریهٔ ممدوح و مذموم

باتوجه‌بـه آنچـه در گفتـار قبلـی گفته شـد، مقـدار مهریه ازنظـر وجوب و حرمـت دارای حداقل و حداکثر نیسـت و در این گفتار این نکته موردبررسـی قرار می‌گیرد که از منظر فقـه امامیـه چه مقدار مهریه مورد مدح و اسـتحباب و چه مقدار مورد مذمت و کراهت واقع شده است.

#### ۳ـ۱. مهریه ممدوح

مهریـه‌ای ممـدوح اسـت کـه فقها حکم به اسـتحباب آن داده‌انـد و در روایـات ائمه نیز مدح شده باشد.

##### ۳ـ۱ـ۱. مهرالسنه

مَهرالسُـنَّة مهریـه‌ای اسـت کـه پیامبـر اسـلام صلی‌الله‌علیه‌وآله بـرای همسـران و دختران خـود تعیین می‌کردند و مقدار آن پانصد درهم، برابر با ۱۵۰۰ گرم نقره خالص بوده است.

۱. ﴿وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا﴾.

در روایتی از امام صادق علیه‌السلام آمده: «کابین بانوان مسلمان در عهد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دوازده اوقیه و نیم بوده و بهای آن برابر با نقرهٔ خالص، پانصد درهم می‌شود». (طوسی، ۱۳۶۵، ج۷، ص۳۵۶)

نقل‌های متواتر نیز مهریه زنان و دختران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و نیز دختران اهل‌بیتِ او را «دوازده و نیم اوقیه نقره» برابر با «پانصد دِرهم» دانسته است و تنها در دو نقل (یکی از شیعه و یکی از اهل‌سنت) مهریهٔ یکی از زنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به نام ام‌حبیبه را بیش از این مقدار یعنی چهارهزار درهم دانسته‌اند؛ اما امام باقر علیه‌السلام این را یك استثنا دانسته که به خواست پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نبوده؛ بلکه امضا و تقریر فعلی بوده که نجاشی، حاکم حبشه انجام داده است. او که وکیل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در خواستگاری و عقد امّ‌حبیبه (از زنان هجرت‌کرده به حبشه) بود، مهر چهارهزار درهمی برای او تعیین می‌کند و آن را از جانب خود می‌پردازد و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله هم دیگر سخن و اعتراضی بر زبان نمی‌آورند. (رسولی، ۱۳۷۱، ج۲، ص۴۶؛ برقی، ۱۳۷۱، ج۲، ص۳۳۴؛ ابن‌بابویه، ۱۳۶۷، ج۵، ص۱۴۳)

در روایات، مهریه حضرت زهرا علیهاالسلام، زره یا کتان بافت یمن یا چیزهای دیگری غیر از درهم معرفی شده که قیمت آن را بین چهارصد تا پانصد درهم دانسته‌اند.

به جهت سهولت در عمل به سیرهٔ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله لازم است نرخ روز مهرالسنه مورد بررسی قرار گیرد. به این منظور برخی معتقدند که «قدرت خریدِ» پانصد درهم نقره در صدر اسلام، بسی بیشتر از اکنون بوده و ازاین‌رو باید آن را با چند کالای باارزش دیگر سنجید و سپس آن قدرت خرید را به بهای پول رایجِ امروز محاسبه کرد. برخی فقهای متقدم نیز بر همین اساس، مهرالسنه را پانصد درهم یا پنجاه دینار (یعنی پنجاه مثقال طلای خالص) دانسته‌اند؛ زیرا در روزگار آنان، هر ده دِرهم، برابر با یك دینار بوده است. نتیجه این سخن، شناور بودن مهرالسنه است، هرچند زیاد بودن آن را نتیجه نمی‌دهد؛ زیرا پنجاه دینار، همان پنجاه مثقال شرعی طلاست که مبلغ آن در حال حاضر (اردیبهشت ۱۴۰۰) ۲,۱۴۲,۵۰۰,۰۰۰ ریال می‌شود.

گفتنـی اسـت براسـاس برخـی گزارش‌هـا، در روزگار پیامبـر ارزش نقـره در برابـر طلا افزایش داشـته و هر هفت یا هشـت درهم (نقره) با یك دینار (طلا) معاوضه می‌شد و بر این اساس نیز پانصد درهم، برابر با هفتاد دینار یعنی هفتاد مثقال شرعی طلا که حدود سی سکه بهار آزادی است.

شـیوه دیگر محاسـبهٔ مهرالسـنه به نرخ روز، میزان «قدرت خریدِ» مهرالسـنه اسـت کـه برگرفتـه از دقـت در جزئیات گـزارشِ ازدواج امام علی علیه‌السلام و فاطمـه علیهاالسلام و خریدهای انجام‌شـده بـا مبلـغ مورد بحث (مهرالسـنه) اسـت. براسـاس گزارش‌های متعـدد، امام علی علیه‌السلام با فروش زره خود (و بنابر برخی گزارش‌ها با فروش زره و بُرْد یَمانیِ خود)، حدود ۴۸۰ درهم یا اندکی فزون‌تر و کمتر، اثاثیه منزل را فراهم کردند.

باتوجه به مصرف آن مقدار باید گفت که مهرالسـنه مبلغی نه‌چندان زیاد اسـت که بـا آن، تنهـا می‌توان اثاثیه ضروری، سـاده و اولیه یك خانه کوچك را تهیه کرد». (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج۱، ص۱۱۳)

### ۳ـ۱ـ۲. مهریه کم

هرچند «مهریه» نشـانه اهتمام و علاقهٔ مرد به همسـرش اسـت و پشـتوانه‌ای برای زن به شمار می‌آید، ولی معیار ارزش او نیست. در فکر جاهلانهٔ بعضی از افراد، ارزش و اعتبار زن به میزان مهریهٔ او بستگی دارد که این خطاست. در همین راستا از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت شده که «برترین زنان امت من، زیباروترینِ ایشان است که کابین او کمتر باشد». (کلینی، ۱۴۰۷، ج۵، ص۳۲۴) در کلام دیگـری، مهریـهٔ کـم را مایـهٔ برکـت زن دانسـته و فرموده‌انـد: «پربرکت‌ترین زنان، کم‌هزینه‌ترین ایشان است[1]». (بروجردی، ۱۳۸۶، ج۲۵، ص۱۳۶)

«ایـن موضـوع به‌صـورت عملـی نیـز بـه اثبـات رسـیده اسـت کـه بـه هـر انـدازه چشم‌وهم‌چشـمی‌ها و ولخرجی‌ها کمتر باشـد، صمیمیت و خوشـبختیِ یک خانواده هم بیشـتر اسـت. کدامین همسر می‌تواند از چنین شـرایط ایدئالی خشنود نباشد؛ پس

۱. ﴿أَعْظَمُ اَلنِّسَاءِ بَرَكَةً أَيْسَرُهُنَّ مَئُونَةً﴾.

کم‌خرجیِ همسر، از ملاک‌ها و معیارهای خوب بودن وی به شمار می‌رود و نقش بسزایی در میزان رضامندی شریک زندگانی او ایفا می‌کند.» (مرادی، ۱۳۸۷)

### ۳ـ۱ـ۳. تفکیک مهر از هدیه

تأکید پیشوایان دینی برای اندک بودن مقدار مهریه به جهت رفع موانع ازدواج و دور کردن این پیوند انسانی از دید مادی و... است؛ ولی اگر مرد یا خانوادهٔ او قصد دارند که هدایایی را به زن تقدیم کنند مانعی ندارد و برای اینکه پایه‌گذار سنت‌های غلط نشوند، بهتر است که هدایا از مهریه تفکیک شود و در تعیین مقدار مهریهٔ رسمی بر مهرالسنه یا مهریهٔ کم توافق کنند. «مهر و تعیین مقدار آن، مربوط به پیش از ازدواج است و ازاین‌رو باید آن را اندك و آسان گرفت تا ازدواج رونق گیرد و نِحله (بخشش)، مربوط به پس از عقدِ ازدواج یا پیش از برقراری زندگی مشترك است، تا دل همسران به هم نزدیك‌تر گردد و پیوند نورسته، قوّت یابد.» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج۱، ص۱۱۷)

همین تفکیک مهر از هدیه، در گزارش ازدواج امام جواد علیه‌السلام با دختر مأمون نیز آمده که ایشان مهر را همان مهرالسنه قرار دادند و صد هزار درهم نیز به‌عنوان نحله به همسر خویش بخشیدند. چه‌بسا تقدیم هدایای ارزنده به زوج جوان برای پیشرفت زندگی و بی‌نیازی از دیگران امری پسندیده باشد.

### ۳ـ۲. مهریه مذموم

منظور از مهریه مذموم، مهریه‌هایی است که در کلام ائمه علیهم‌السلام مورد سرزنش و نکوهش واقع شده‌اند.

### ۳ـ۲ـ۱. مهریهٔ سنگین

ازجمله مهریه‌هایی که مورد مذمت شارع و عقلا واقع شده، مهریه‌های سنگین و نامتعارف است که در توضیح آن فرموده‌اند: «مهریه سنگین، مهریه‌ای است که میزان و مقدار آن در حدی است که امکان پرداخت آن برای مرد یا اصلاً وجود ندارد یا عرفاً

بسیار مشکل است و تنها در بستر گذشت زمان ممکن است». (رضوی، ۱۳۹۴، ص۱۴) «از امام صادق علیه‌السلام روایت شده که در محضر پدرم سخن از بدشگونی شد و پدرم فرمود: بدشگونی در سه مطلب است: الف) زن؛ ب) مرکب؛ ج) خانه. اما بدشگونی زن در دو مطلب است: زیاد بودن مهریهٔ او ونازا بودن او». (حر عاملی، بی‌تا، ج۱۵، ص۹)

همان‌طور که از کلام معصوم درمی‌یابیم، مهریهٔ زیاد مایهٔ شومی و بی‌برکتیِ زن می‌شود. در کلام دیگری از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله آمده: «در مهریه‌های زنان، زیاده‌روی نکنید؛ چراکه زنان درواقع باران خداوند سبحان هستند».

در این حدیث، تشبیه بلیغ به‌کار رفته است؛ زیرا زنان را به «باران» تشبیه کرده که خداوند بر هر کدام از بندگانش که بخواهد آن را می‌بارد، بدون آنکه تلاش و رنج و زحمتی از جانب آنان صورت گیرد. پس هرکه خوش‌بهره باشد، خداوند همسری سازگار، فرمانبردار، علاقه‌مند به او، حافظ آبرو و مال همسر و زنی که فرزندانی رشید به دنیا بیاورد و وجودش سودمند باشد، نصیب او می‌گرداند؛ در غیر این صورت برعکس است. به‌عبارت‌دیگر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌خواهد به مردم اعلام کند که سازگار بودن زن و عشق و محبّت او به شوهر، از زندگی مشترك و خانواده و به دلخواه شوهر بودنِ آنان به این نیست که مهریه را سنگین قرار دهند؛ بلکه زن همانند بهره و قسمت و روزی است. چه‌بسا زنانی که مهریه اندکی دارند، اما سازگار هستند و نسبت به شوهر خویش با مهر و محبت می‌باشند و برعکس، چه‌بسا زنانی که عشق و محبّت آنان اندك، اما مهریه آنها سنگین و بالاست. بنابراین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله زنان را به باران خدا تشبیه کرده که نصیب برخی شده و عده‌ای نیز از آن بی‌بهره می‌مانند و به عبارتی در سرزمینی می‌بارد و در سرزمینی نمی‌بارد.

در کلام دیگری پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در خبر حولاء می‌فرمایند: ای حولاء! سوگند به آنکه مرا به‌راستی پیامبر و رسول فرستاد، هیچ زنی نیست که مهریه‌اش را بر شوهرش سنگین سازد مگر آنکه خداوند زنجیرهایی گران از آتش دوزخ بر او نهد. در این کلام،

مورد مذمت بودن مهریهٔ سنگین به‌روشنی بیان شده است. در تمامی اعصار، اقوام و خانواده‌هایی وجود داشتند که بزرگی و منزلت خود را در مهریه‌های زیاد می‌دانستند. همان‌طور که پیامبر خدا ﷺ می‌فرمایند: بار خدایا! حکومت غَسّان را از میان بردار و مهریه‌های [زنان] کِنده را پایین بیاور! برای روشن شدن معنای روایت لازم است توجه شود که مهریه‌های کِنده در سنگین بودن، ضرب‌المثل بوده و حداقلِ مهریهٔ دختران این قبیله، صد شتر بود و گاه به هزار شتر نیز می‌رسید. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج۱، ص۱۰۷) مصداق مهریهٔ سنگین در هر جامعه و زمانه‌ای بنابر توانمندیِ افرادِ جامعه متفاوت می‌شود و نمی‌توان عدد مشخصی برای آن تعیین کرد.

## ۴. ملاک‌های تعیین مهریه

بنابر آنچه گفته شد، تعیین مقدار مهریه بستگی به توافق زوجین دارد؛ ازاین‌رو لازم است ملاک‌هایی به ایشان داده شود تا توافقی درست و عادلانه داشته باشند و از سنت‌های غلط و جاهلی در این مرحله از زندگی به دور باشند و در تصمیم‌گیریِ خود، حق و انصاف و سفارش‌های ائمه علیهم‌السلام را مدنظر قرار دهند.

### ۴ـ۱. ملاک‌های کلی

ملاک‌های تعیین مهریه، کلان و کلی هستند و اگر بر روح تصمیم‌گیریِ دختر و پسر حاکم باشد، به‌راحتی می‌توانند مقدار منصفانه و درستی را برای مهریه تعیین کنند.

#### ۴ـ۱ـ۱. توجه به طبیعت ازدواج

ازجمله ملاک‌های کلی که لازم است در توافق طرفینی بر سر مقدار مهریه در نظر گرفته شود، توجه به طبیعت ازدواج است. درحقیقت، ازدواج یک حادثه و پیوند انسانی است که در محضر خداوند دارای ارزش بسیاری است؛ در این پیوند ارزشمند، شارع مقدس اسلام، مهریه‌ای را قرار داده است، ولی نباید با تعیین مهریه‌های غیرمتعارف و سنگین، جنبه‌های مادی و تشریفاتی را بر ازدواج غالب کنیم و آن را به یک معاملهٔ پولی و مالی و

دادستد خانوادهٔ دختر و پسر تبدیل کنیم. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: «در ازدواج آنچه که اتفاق می‌افتد، یک حادثه و پیوند انسانی است، نه یک معامله پولی و مالی. اگرچه یک مالی هم در بین هست در شرع مقدس اسلام، [اما] آن مال جنبه نمادین دارد. جنبه رمزی دارد. خرید و فروش و بده بستان نیست». (وبگاه آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶) لازم است سعی ما در تعیین مقدار مهریه بر این باشد که هرچه می‌توانیم بُعد معنوی آن را تقویت کنیم.

**۴ـ۱ـ۲. اصلاح دیدگاه**

برای تعدیل مهریه‌های موجود ابتدا لازم است با طبیعت و فلسفهٔ مهریه آشنا شویم و بعد از آن، دیدگاه خود را اصلاح کنیم. مهریه ریشه در تمایز نقش‌های ذاتی دارد که قانون خلقت در روابط دو جنس (زن و مرد) مقرر داشته است. نقش مرد نیازمندی، طلب و عشق و در مقابل، نقش زن، جمال و غرور و بی‌نیازی است و به همین دلیل همواره سنت بر این بوده که مرد از زن خواستگاری کند و برای جلب رضایت و تکریمِ موافقت زن، هدیه و پیشکشی تقدیم نماید تا صداقت خود را به او اثبات کند. ازطرفی مهر با حیا و عفت زنانه نیز در ارتباط است. به این معنا که زن براساس الهامات فطری دریافته که عزت و احترام او در گرو آن است که خود را رایگان در اختیار مرد قرار ندهد و به تعبیری «شیرین بفروشد». (مطهری، ۱۳۹۰، ص۱۸۵)

بنابراین اساس مهریه بیش از آنکه برای زن، ارزش مادی داشته باشد، دارای جنبهٔ ارزشگذاری معنوی است و باعث تعدیل نقش‌ها و تواضع مردِ متقاضی می‌شود.

یکی از دیدگاه‌های غلط پیرامون بحث مهریه این است که افراد گمان می‌کنند، مهریهٔ بالا باعث خوشبختی و قوام زندگی می‌شود؛ درصورتی‌که محبت، سازش، احترام متقابل، ایمان و اخلاق در خوشبختیِ یک زندگی موثر است، نه مهریه‌های بالا. همان‌طور که «مردی به امام حسن علیه‌السلام عرض کرد: دختری دارم، او را به ازدواج چگونه فردی درآورم؟ حضرت فرمودند: او را به ازدواج مردی باتقوا درآور که اگر دوستش داشته باشد، او را گرامی

می‌دارد و اگر هم دوستش نداشته باشد، به او ستم نمی‌کند». (مطهری، ۱۳۷۸) بر همین اساس اگر مبنای یک زندگی بر خباثت، بداخلاقی، فریب و... باشد هر اندازه هم مهریه سنگین قرار داده شود، آسایش و آرامش لازم را به همراه نمی‌آورد.

رهبر معظم انقلاب پیرامون این دیدگاه اشتباه می‌فرمایند: بعضی‌ها می‌گویند ما مهریه را سنگین می‌کنیم برای اینکه مانع طلاق بشویم. این خیلی خطای بزرگی است. هیچ مهریهٔ سنگینی مانع از طلاق نمی‌شود و نشده است. آن چیزی که مانع طلاق می‌شود، اخلاق و رفتار است. رعایت موازین اسلامی است. (وبگاه آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶)

آمار و اطلاعات نیز بیانگر این است که مهریه‌های سنگین مانع طلاق و ازدواج مجدد مردان نمی‌شود؛ بلکه در شرایطی چنانچه زن و مرد در زندگی با مشکل مواجه شوند و همچنان راهی برای ادامهٔ زندگی وجود داشته باشد می‌توان با سازش، گذشت، محبت و... به دوام زندگی کمک کرد و مانع طلاق شد، نه به‌اجراگذاشتن مهریه و استفاده از اهرم فشار.

اگر دختر و خانواده او قصد دارند از ابتدا، بنای زندگی جدید را محکم بگذارند و ازدواجی خوب را رقم بزنند تا درصد شکست و طلاقِ آن پایین باشد، باید به ملاک‌هایی چون ایمان و تقوا در انتخاب همسر توجه کنند؛ نه اینکه مهریهٔ بالا را قوام‌بخش زندگی بدانند.

### ۴ـ۱ـ۳. عدم پیروی از سنت جاهلی

ازجمله ملاک‌های قابل‌توجه در تعیین مقدار مهریه اینکه نباید مهر را به‌گونه‌ای تعیین کنیم که پیرو سنت جاهلی باشد؛ چراکه در سنت جاهلی، مهریه‌های زیاد و نجومی را نشانهٔ ارزش و اهمیت دختر و خانواده او می‌دانستند که پیامبر گرامی اسلام این سنتِ جاهلی را شکست. رهبر معظم انقلاب این مطلب را باتوجه‌به سبقهٔ تاریخیِ آن اینگونه بیان می‌کنند:

خود آن کسی که مشرّع مهر است ـ که نبی اکرم ﷺ باشد ـ که از همهٔ کائنات بالاتر است و دختر مطهره و عزیزهٔ او که از همهٔ زنان عالم از اولین و آخرین بالاتر است و شوهر او که امیرالمؤمنین علیه‌السلام باشد که از جمیع خلایق از اولین و آخرین بعد از پیامبر ﷺ

بالاتر است، برای این دو که جوان بودند، زیبا بودند، عنوان داشتند، محترم بودند، اوّل‌شخص مدینه بودند، دیدید پیغمبر چقدر مهر قرار داد؟! (وبگاه آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹)

باوجود تبیینات پیشین در باب فلسفهٔ مهریه، متأسفانه نگاه غلطِ ارتباط داشتن ارزش و جایگاه زن با مقدار مهریه، همچنان در جامعه وجود دارد. در همین راستا توجه به این نکته حائز اهمیت است که هیچ پول، ثروت و مهریه‌ای نمی‌تواند معادل با شخصیت و کرامت انسانی یک زن باشد؛ بلکه برعکس، این دیدگاه در تعیین مقدار مهریه، زمینه‌ساز بی‌احترامی به شخصیت حقیقی زن تلقی می‌شود.

### ۴ـ۱ـ۴. عدم مانعیت برای ازدواج

ازجمله ملاک‌های کلیِ تعیین مقدار مهریه، توجه به این نکته است که مقادیری در جامعه رایج نشود که جوانان، آن را سد راه ازدواج و تشکیل خانواده بدانند؛ بلکه باید مقداری قرار داده شود که غالبِ افراد جامعه بتوانند آن را به‌عنوان مهریه قرار دهند. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب به همین نکته در کلام خویش اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: خیلی از دخترها توی خانه می‌مانند، خیلی از پسرها بی‌زن می‌مانند، به‌خاطر اینکه این چیزها وقتی در جامعه رسم شد، سنت شد، به‌جای مهرالسنه، به‌جای اینکه مهر پیغمبرﷺ سنت باشد، وقتی مهر جاهلی سنت شد، اوضاع، اوضاع جاهلی خواهد شد. (سایت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷)

در چنین اوضاع جاهلی و چشم‌وهم‌چشمی‌هایی، اولویتِ معیار خانواده‌ها مادی می‌شود و درنتیجه، امر ازدواج را برای بسیاری از جوانان به امری دشوار و دست‌نیافتنی مبدل می‌کند.

### ۴ـ۲. ملاک مهریه ممدوح

بعد از آشنایی با ملاک‌های کلی حاکم بر تعیین مقدار مهریه، توجه به این موضوع که ملاک‌های پسندیده بودن مهریه چیست، ضروری است.

### ۴ـ۲ـ۱. پیروی از سنت اهل‌بیت

براساس آنکه خداوند متعال ما را به الگوگیری از زندگی پیامبرﷺ و اهل‌بیت علیهم‌السلام سفارش فرموده، در تعیین مقدار مهریه پسندیده نیز عملکرد ایشان برای ما الگو و ملاک عملِ متعادل است.

سنت، به فعل رسول خداﷺ گفته می‌شود و امام باقرعلیه‌السلام سنت ایشان را در تعیین مقدار مهریه پانصد درهم می‌فرمایند: «همانا نبی مکرم اسلام به بیش از پانصد درهم [که همان مهرالسنه است] ازدواج نکرد و دخترانش را [به بیش از این مبلغ] به ازدواج در نیاورد[1]». (حلی، ۱۴۰۹، ج۲، ص۵۴۷)

مهریه همسران و دختران پیامبر اکرمﷺ و به پیروی از ایشان مهریهٔ دختران ائمه معصومین علیهم‌السلام، مقدار ثابت و مشخصی بود که در سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام و منابع اسلامی از آن با عنوان مهرالسّنّه نام برده می‌شود. مقدار مهرالسنه براساس فرمایش اهل‌بیت علیهم‌السلام برابر با پانصد درهم می‌باشد. در فقه‌الرضا آمده است: هرگاه ازدواج کردی بکوش تا مهر آن از مهرالسنه تجاوز نکند و آن پانصد درهم است. بر همین میزان پیامبر اکرمﷺ دختران خود را شوهر می‌داد و همسر می‌گرفت. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۱۰۰، ص۳۵۰؛ علی‌بن‌بابویه، ۱۴۰۶، ص۲۳۵)

از کلام گهربار ائمه چنین برداشت می‌شود که به جهت اهمیتِ بحث، ایشان به آموزش عملی و سیرهٔ رایج خود اکتفا نکرده و در کلام خود نیز به کرّات سفارش به این موضوع کرده‌اند تا از گمراهی امت اسلامی در این موضوع جلوگیری کنند.

### ۴ـ۲ـ۲. مهریه حداقلی

کم بودن مهریه بنابر روایات ائمه و فتوای فقها مستحب است؛ بنابراین مقدار حداقلی، ملاکی برای مهریهٔ ممدوح است. ازآنجاکه این معیار حالت وصفی دارد، ازاین‌رو در هر دوره‌ای مصداق متفاوتی پیدا می‌کند؛ لذا ضروری است که برای تشخیص آن، شاخص‌هایی را در نظر بگیریم.

۱. فعن الباقرعلیه‌السلام: إن النبيﷺ لم يتزوج و لا زوج بناته بأكثر من خمس مئة درهم.

الف) نظر افراد فهیم و عاقلِ آن زمان: به‌گونه‌ای که با شـنیدن مقدار مهریهٔ توافقی، آن را متعادل و به دور از اعداد نجومی بدانند؛

ب) عموم مردم بتوانند چنین مهریه‌ای را قرار دهند؛

ج) در مقایسـه با مهریه‌های مرسـومِ دیگر دختران، صفت کم بودن و متعادل بودن صدق کند.

**۴ ـ ۲ ـ ۳. همانندی با مهریه زنانِ همسان**

برای تعیین مقدار مهریهٔ ممدوح، درنظرگرفتن مقدار مهریهٔ مرسوم بین زنان همسان نیز مؤثر اسـت. لازم بـه ذکر اسـت که ایـن ملاک، از کلام گهربار امام صادق علیه‌السلام گرفته شـده اسـت. «ابوبصیر می‌گوید: از امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره مردی پرسـیدم که مشخص کردن مقدار صداق همسرش به او واگذار می‌شود و او مقدار صداق را کمتر از زنان دیگر می‌گیرد. حضرت در پاسخ فرمود: صداق او همانند مهر زنان همسان وی خواهد بود». (عاملی، بی‌تا، ج۱۵، ص۳۳)

بـه عقیـده برخـی از فقهـا احتمال دارد این روایـت را حمل بر اسـتحباب کنیم و به اعتقـاد عـده دیگری امر وجوبی که در روایت وجود دارد مربوط به همان مردِ ذکرشـده در روایت است؛ نه درباره مطلق مردان.

ولی باتوجه‌به متن روایت، حداقل چیزی که می‌توانیم برداشـت کنیم این اسـت که اگر فردی در تعیین مقدار مهریه، مهر زنانِ همسان را در نظر بگیرد، مورد مذمت نیست.

لازم بـه ذکـر اسـت که معیـار همسـانی زنـان را باتوجه‌به اوصـاف اخلاقـی، ایمانی، خانودگی و... مشترک میان ایشان می‌توان شناخت.

**۴ ـ ۲ ـ ۴. صفات معتبر در مهرالمثل**

مهریـه انواعـی دارد کـه هرکـدام در جایـگاه خـود لازم می‌آیـد. در ایـن نوشـتار پیرامـون مهرالمسـمی صحبت شـده اسـت که مقدار آن وابسـته به توافق زوجین اسـت؛ ولی در مـواردی همچـون طلاقِ بعـد از دخول در ازدواجی که مهریه‌ای تعیین نشـده، مهرالمثل

واجب می‌شود که شارعِ مقدس، معیار و اوصافی را برای تعیین مقدار مهریهٔ زن معرفی کرده تا جانب تعادل و انصاف رعایت شود.

به زوجین پیشنهاد می‌شود که در مقام توافق بر مقدار مهرالمسمی نیز این معیارها را در نظر گیرند؛ البته تا جایی که به ملاک‌های کلیِ مهریه آسیب نرساند و به جانب تعادل و مهریهٔ ممدوح نزدیک‌تر شوند.

فقها برای اینکه بتوانند مقدار مهرالمثل را تعیین کنند، تلاش کرده‌اند بحث را به‌صورت کلی و قانونی شناسایی کرده و صفات معتبر در تعیین مقدار را به‌صورت دقیق بررسی کنند. (فخر المحققین، ۱۳۸۷، ج۳، ص۲۱۵)

ازجمله قوانین کلی موردنظر فقها این است که: هر صفتی که موجب تغییر و افزایش یا کاهش چشمگیر مهریه در محاسبه شود، در میزان مهرالمثل معتبر است. یعنی وجود صفات (صفات کمالی چون شرافت، فرهنگ، ادب، عقل، نجابت و...) موجب افزایش مهر و فقدان صفات، موجب نقصان مهر شوند و نباید تنها به وجود آنها نگریست.

خصوصیات معتبر در تعیین مهریه به دو دسته خصوصیات شخصی و غیرشخصی (نوعی) تقسیم می‌شوند. خصوصیات شخصی آن دسته از خصوصیاتی هستند که فرد در کسب آن دخیل است یا مستقیماً از صفات منتسب به او محسوب می‌شود و خصوصیات نوعی یا غیرشخصی، آن دسته از خصوصیاتی هستند که از جانب زوج یا دیگران، چه خویشاوندِ زوجه باشند یا نه، از نسب و دودمان او باشند یا خیر، بر تعیین مهرالمثلِ او تأثیر می‌گذارند. خصوصیات شخصی مشتمل بر دو دسته صفات مادی و معنوی است. خصوصیات شخصی مادی عبارتند از: سن، جمال، دارایی و فقر، بکارت و ثیبوبت و وسعت خانواده. صفات معنوی نیز عبارتند از: شرافت (در نسب و صفات و...)، عقل، ادب، صراحت نسب، دیانت، حسن تدبیر منزل، عفت و پاکدامنی، حسن سلوک، فرهنگ (ثقافه)، نجابت، صناعت و کمال، تحصیلات. خصوصیات

نوعی دو دستهٔ زوج و اجتماع را دربرمی‌گیرد. در دسته خصوصیات نوعیِ مرتبط به زوج، حال زوج از نظر شرافت و غیر آن نگریسته می‌شود و در شاخهٔ خصوصیات نوعیِ اجتماعی، شهر سکونت زوجه و نسب توجه خواهد شد. (رخ، ۱۳۹۲، ص۲۰)

خصوصیات ذکرشده علاوه بر اینکه می‌توانند معیار مستقلی برای تعیین مقدار باشند، در تشخیص ملاک‌های قبلی نیز مؤثر هستند؛ زیرا معیارهایی که برای تعیین مقدار گفته شد، اغلب به‌صورت وصفی است و زمانی می‌توانیم ملاک‌های دیگر را خوب بررسی کنیم که بدانیم کدام خصوصیتِ زنان در تعیین مقدارِ کم و زیاد معتبر هستند که این بحث در کتب فقهی، ذیلِ بحث مهرالمثل مطرح شده که توجه به آن حائز اهمیت است.

### ۴ـ۳. ملاک مهریه مذموم

برخی مهریه‌ها از منظر اهل‌بیت علیهم‌السلام مورد مذمت و سرزنش قرار گرفتند که اگر به ملاک و علت مذموم بودن این مهریه‌ها بپردازیم، به تصمیم‌گیری بهتری دست می‌یابیم.

#### ۴ـ۳ـ۱. سنگین بودن

ازجمله ملاک‌های دخیل در ناپسندیِ مهریه، سنگین بودن مقدار توافق‌شده است. یکی از مشکلات ازدواج‌های امروزی، مهریه‌های سنگین و سرسام‌آور است؛ با این توجیه که مهریه را چه کسی داده و چه کسی گرفته؟! غافل از اینکه پرداخت مهریه بر عهده داماد است و جزو بدهی‌های اوست. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله پیرامون سنگین بودن مهریه فرمودند: «سوگند به خدایی که مرا به پیامبری و رسالت برگزید، هیچ زنی که مهریهٔ خود را بر همسرش سنگین می‌گیرد نیست، مگر اینکه خداوند متعال زنجیرهای سنگینی از آتش جهنم بر گردنش می‌افکند». (نوری، ۱۴۰۸، ج۱۴، ص۲۴۱)

مهریه‌ای که باید موجب مهر و محبت باشد، اگر مبلغ آن بالا باشد، سبب بغض و کینه می‌شود. «امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرمایند: مهر زنان را خیلی بالا نگیرید

کـه موجـب عـداوت گردد». (نـوری، بی تا، ص۶۶) اسـاس زندگی زناشـویی، علاقه و عشـق اسـت نه معامله و کسـب و کار. بنابراین، مجالسـی که برای مهربُران تشـکیل می‌شـود، نبایـد به‌گونـه‌ای باشـد که طرفینِ عقـد، گویی در خرید و فروش کالایـی نایاب به جدال می‌پردازند؛ چراکه باید به فرمایش رسـول خدا ﷺ توجه کرد که فرمود: بهترین زنان امت من زنانی هسـتند که در عین اینکه زیبارو هسـتند، مهر ایشـان کم است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۱۰۰، ص۲۳۹)

وقتـی مهریـهٔ سـنگینی بـرای دختـر قـرار داده شـد، خودبه‌خـود در کـوران زندگـی و سختی‌ها و عصبانیت‌ها، دختر به این فکر می‌افتد که اگر کار به طلاق هم کشید این مهریـه زیـاد پشـتوانه‌ای برایش خواهد بود؛ لـذا به‌راحتی ناسـازگاری می‌کند و از طلاق و جدایی واهمه‌ای نخواهد داشت. همسر او هم که می‌بیند توان پرداخت مهریه را ندارد، هر روز و هر ساعت کینه زن را در دل می‌پروراند و آن‌قدر او را می‌آزارد تا زن از مهریه خود بگذرد و جانش را خلاص کند.

از مجموع مطالب اینطور به دسـت می‌آید که مهریه‌ای سـنگین محسـوب می‌شود کـه در توان عموم مردم جامعه نباشـد و عقلای جامعه با شـنیدن مقـدار آن، اعتراف به سنگینی و غیرمنطقی بودن آن نمایند.

### ۴ـ۳ـ۲. عدم قدرت مرد بر پرداخت

یکـی از ملاک‌هـای مهریهٔ مذموم، عدم قدرت مرد بر پرداخت مهریهٔ توافق‌شـده اسـت. توافـق بـر مهریه‌های سـنگین، درصورتی‌کـه بیش از امکانـات مالی زوج باشـد، خالی از اشـکال نیسـت؛ زیرا «طرفین معامله در حین عقد باید عالِم باشـند که متعهد یا ناقل، قـدرت بـر تسـلیم مـورد معاملـه را دارد؛ زیـرا هـرگاه یکـی از طرفیـن می‌دانـد کـه متعهد نمی‌تواند مورد معامله را تسلیم نماید و متعهدٌله نیز نمی‌تواند آن را تسلیم کند، معاملهٔ مزبور لغـو و غیرعقلایی اسـت و اگر معامله معوض باشـد، آن چیزی کـه در مقابل مالِ غیـر، مقدورالتسـلیم داده می‌شـود، بدون عوض خواهـد ماند. (امامی، ۱۳۹۷، ج۱، ص۲۶۴)

مهریه‌ای که باید بیانگر صداقت مرد باشد، اگر فرد، قدرت پرداخت آن را نداشته باشد، بنابراین صداقتِ لازم در مهریه را نیز ندارد.

**۴ـ ۳ـ ۳. عدم قصد مرد برای پرداخت**

ازجمله ملاک‌های مهریهٔ مذموم، عدم قصد مرد برای پرداخت مقدار توافق‌شده است. «ازدواج دختر و پسر و سخنانی که در آغاز زده می‌شود و تعهداتی که بسته می‌شود باید بر پایه صدق و صفا باشد. مهریه نیز از همان تعهدات مهمی است که مرد بدان ملتزم می‌شود و باید بداند که به گردن اوست؛ زیرا زن بعد از اجرای صیغهٔ عقد، مالک مَهر می‌شود؛ چه پول نقد باشد و چه ملک؛ از همین‌رو می‌تواند آن را مطالبه کند و باید به او تحویل شود؛ اگر مِلک بود، منافع مِلک به او تعلق دارد و باید به او پرداخت شود؛ مگر اینکه آن را ببخشد. شوهر از زمان خطبه خواندن هم باید بداند که مهریه، دَین است و قصد پرداخت آن را داشته باشد.» (امینی، ۱۳۹۰، ج۱، ص۲۵۷)

اهل‌بیت علیهم‌السلام پیرامون مردی که قصد پرداخت مهریه را نداشته باشد می‌فرمایند این کار به‌منزلهٔ دزدی و زناکاری است و در حدیث گهرباری، پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند: «خداوند متعال هر گناهی را می‌بخشد جز گناه مردی که مزد اجیری را غصب کند یا مهریه همسرش را نپردازد». (عاملی، بی‌تا، ج۱۵، ص۲۲) پس چنین نیتی صحیح نبوده و مورد مذمت اهل‌بیت و فقها قرار گرفته است، ولی این مذمت منجر به بطلان مهر نمی‌شود و همچنان مهریه صحیح است و مرد باید تمام آن را پرداخت کند.

**نتیجه‌گیری**

باتوجه‌به پرداختن به موضوع ملاک‌های تعیین مهریهٔ ممدوح و مذموم از منظر فقه امامیه مشخص شد که تعیین مقدار مهریه از منظر مشهورِ فقهای امامیه، بستگی به توافق زن و مرد دارد و در این توافق، محدودیت حداقلی یا حداکثری وجود ندارد. باوجود اختیاری بودن این امر، اما شارع مقدس اسلام به جهت راهنماییِ زوجین برای

حفـظ تعـادل و انتخابـی پسـندیده، ملاک‌هایی را معرفـی کرده که زن و مـرد باید آنها را به‌صورت کلی در توافق خود در نظر بگیرند تا از توافق بر مهریهٔ مذموم پرهیز شود.

بنابراین پیشـنهاد می‌شـود ملاک‌هایی که در شرع مقدس بیان شده را در جلسات خانم‌ها و آقایانِ در شُرُف ازدواج به‌صورت بروشور یا محتوای سخنرانی به اطلاع برسانند تا از معضل مهریه‌های سـنگین و غیرمنطقی فاصله بگیریم و جامعه به سـمت تعادل در این امر پیش برود.

## فهرست منابع


۱. قرآن کریم، ترجمه: حسین انصاریان.

۲. ابن‌بابویه، محمدبن‌علی (۱۳۶۷ش)، من لایحضره الفقیه، ترجمه: علی‌اکبر غفاری و محمدجواد بلاغی، تهران: نشر صدوق.

۳. ابن‌فارس، أبوالحسین (۱۳۹۹ش)، معجم مقائیس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمدهارون، قم: دار الفکر، مکتب الاعلام الاسلامی.

۴. امامی، حسن (۱۴۰۳ش)، حقوق مدنی، تهران: اسلامیه.

۵. امینی، ابراهیم (۱۳۹۰ش)، ازدواج، موانع و راه‌حل‌ها، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب.

۶. مجلسی، محمدبن باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۷. بهشتی، محمد (۱۳۶۹ش)، فرهنگ صبا فارسی، چاپ دوم، تهران: صبا.

۸. حاج‌علی‌اکبری، محمدجواد (۱۳۹۲ش)، مطلع عشق، چاپ اول، تهران: انقلاب اسلامی.

۹. حر عاملی، محمدبن‌حسن (۱۴۱۸ق)، الفصول المهمه فی اصول الائمه، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه‌السلام.

۱۰. ـــــــــــ (۱۴۱۲ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

۱۱. حلی، نجم‌الدین جعفر بن الحسن بن یحیی بن سعید هذلی (۱۴۰۹ق). شرائع الاسلام في مسائل الحلال و الحرام، چاپ دوم، تهران: استقلال.

۱۲. حلی، حسن‌بن‌یوسف (۱۴۱۳ق)، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۳. حلّی، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷ش)، إیضاح الفوائد في شرح مشکلات القواعد، چاپ اول، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

۱۴. رخ، فاطمه (۱۳۹۲ش)، «صفات و ملاک‌های مؤثر در مهرالمثل»، پژوهش‌های فقهی، دوره نهم، ص۱۵۷ـ۱۸۶.

۱۵. رسولی، هاشم (۱۳۹۲ش)، درس‌هایی از تاریخ تحلیلی اسلام، قم: پاسدار اسلام.

۱۶. رضوی، محمد (۱۳۹۴ش)، امکان‌سنجی جعل قانون برای منع مهریه‌های سنگین، چاپ اول، بیرجند: بی‌نا.

۱۷. زبیدی، مرتضی (۱۲۰۵ق)، تاج العروس، بیروت: دار الفکر.
۱۸. شرف‌الدین، سیدحسین (۱۳۸۰ش)، مهریه و جهیزیه در اسلام و ایران، چاپ اول، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ.
۱۹. طوسی، محمدبن‌حسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الاحکام، چاپ چهارم، تهران: دار الکتاب الاسلامیه.
۲۰. عاملی، زین‌الدین‌بن‌علی (شهید ثانی) (۱۴۱۰ق)، الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، قم: داوری.
۲۱. عاملی، زین‌الدین‌بن‌علی (شهید ثانی) (۱۴۱۳ق)، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، جلد ۸، قم: مؤسسة المعارف الاسلامية.
۲۲. علم‌الهدی، سیدمرتضی (۱۴۱۵ق)، الانتصار في انفرادات الإمامية، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۳. علی‌بن‌بابویه (۱۴۰۶ق)، فقه الرضا علیه‌السلام، مشهد: مؤسسه آل‌البیت.
۲۴. غفوریان نژاد، مصطفی (۱۳۹۵ش)، سقف مهریه در فقه امامیه، قم: مطالعات اسلامی فقه و اصول.
۲۵. فتال نیشابوری، محمدبن‌احمد (۱۳۶۶ش)، روضة الواعظین، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
۲۶. فیروزآبادی، مجدالدین (۱۴۱۵ق)، القاموس المحیط، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۷. کلینی، ابوجعفر محمّد بن یعقوب بن اسحاق رازی (۱۴۰۷ق)، کافی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۸. بروجردی، آقاحسین (۱۳۸۶ش)، جامع احادیث الشیعه، تصحیح: جمعی از محققان، تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
۲۹. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۹ش)، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، چاپ دوم، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۳۰. مدرسی، سیدمحمدتقی (۱۳۸۸ش)، احکام خانواده و آداب ازدواج، چاپ پنجم، قم: محبان الحسین.

۳۱. مرادی، صفر (۱۳۸۷ش)، «همسر شایسته و رضامندی»، پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه.
۳۲. مشکینی، علی (۱۳۹۲ش)، مصطلحات الفقه، قم: دار الحدیث.
۳۳. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰ش)، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ ۵۷، تهران: صدرا.
۳۴. مطهری، محمدرضا، «راهنمایی در زمینه ازدواج از دیدگاه اسلام»، مجله دیدار آشنا، ش۱۰.
۳۵. مفید، مُحمّد بن مُحمّد (۱۴۱۳ق)، رساله فی المهر، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۳۶. مفید، محمدبن‌محمد (۱۴۱۳ق)، المقنعه، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۸. ـــــــــ (۱۴۲۴ق)، کتاب النکاح، چاپ اول، قم: مدرسه الامام علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام.
۳۹. نوری، حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرك الوسائل، قم: مؤسسة آل‌البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث.